

از کافه نادری

تا

کافه فیروز

مهدی اخوان لنگرودی



انتشارات مروارید

فهرست

- پیش‌گفتار..... ۷
- فصل یک: آغاز راه ۱۱
- فصل دو: ورود به کافه نادری؛ دیدار با صالح وحدت ۲۳
- فصل سه: کافه فیروز: آشنایی با نصرت رحمانی ۲۷
- فصل چهار: آشنایی با خسرو گل‌سرخى و هوشنگ طاهرى و ۳۶
- فصل پنج: دوستی به‌نام هوشنگ بادیه‌نشین و آشنایان دیگر ۵۱
- فصل شش: با دوستان جنوبی، غلامحسین سالمی و ابوالقاسم ایرانی ۶۸
- فصل هفت: ماجرای آشنایی با کاظم‌السادات اشکوری ۷۳
- فصل هشت: با جلال آل احمد و خاطره‌ای از دکتر برهنی ۸۲
- فصل نه: خاطراتی از حمید مصدق ۸۴
- فصل ده: احمد شاملو در کافه فیروز ۹۶
- فصل یازده: حکایت انجمن ادبی حافظ ۹۹
- فصل دوازده: یادى از کیومرث منشى‌زاده، علیرضا شهلاپور، شکیبایی لنگرودی و ۱۰۸
- فصل سیزده: با یادهایی از اشکوری، کارو، پاینده‌ی لنگرودی، شاهرودی و ۱۱۸
- فصل چهارده: تابستان‌های پر از خاطره‌ی لنگرود با دوستان شاعر ۱۳۲
- فصل پانزده: دوشنبه‌های کافه فیروز با جلال آل احمد و گل‌سرخى و ۱۵۹
- فصل شانزده: شبی به یادماندنی با نصرت رحمانی ۱۶۸
- فصل هفده: پایان راه و لحظه‌های تلخ وداع با یاران ۱۹۱
- فصل هجده: فراخوانی یاد یاران پس از سالیان ۲۰۵
- فصل نوزدهم: خاطره‌های پیش از بازگشت ۲۱۸
- سال‌شمار محمد مهدی اخوان اقدم (مهدی اخوان لنگرودی) ۲۲۴

پیش‌گفتار

در وین با مژگان رودبارانی (اخوان) در کافه‌ی مورد علاقه‌ام نشسته بودم. جماعت شاعر و نویسنده، نقاش، مجسمه‌ساز و گروه روشنفکران این سوی وطنم کافه را دوره کرده بودند.

دود سیگارشان سقفی دیگرگونه و تاریک به طاق کافه می‌زد. پنجره‌ها روشنایی بیرون را به داخل می‌کشیدند. پنجره‌هایی که با زمان پیر شده بودند، گویی بر گذشته از قرنی!

آن طوری که تاریخچه‌ی این کافه نشان می‌داد، بزرگان هنر و ادبیات اروپا در روزگاران نه‌چندان دور اینجا را مثل خانه‌ی خود می‌دانستند و بیشتر اوقات‌شان را در آنجا می‌گذراندند.

کافه موزئوم پاتوق لینین، تروتسکی، توماس مان، توماس برنارد، درفل، اشتفن تسوایک، آلتنبرگ و تراکل و... و من لنگرودی جست‌وجوگر و کلبه‌نشین و سرگردان جهان! که بیشتر آثارم را در این کافه نوشتم از /بابا پسر تا زندگی و شعر نصرت رحمانی و یک هفته با شاملو و پنج‌شنبه‌ی سبز و...

مژگان از جوانی‌ها و خاطرات دور از من سؤال می‌کرد و من طفره